

انگار قرار است بخت برنامه پزشک خانواده بعد از ۲۰ سال باز شود! پزشک خانواده سال‌های سال است در نوبت اجرا مانده، اما آنطور که وزیر بهداشت خبر می‌دهد قرار است امسال بالاخره این طرح یا سکانداری شخصی رئیس‌جمهور در سطح کشور اجرایی شود؛ طرحی که به دوران ایران دانست، اما پس از دوران وزارت وی این طرح می‌توان وی را مبدع اجرای پزشک خانواد در ایران دانست، اما پس از دوران وزارت وی این طرح هیچ‌گاه اجرایی نشد. هر چند در دوران‌هایی مانند دوره وزارت نخستین وزیر نیز بعد از انقلاب یعنی مرصیه وحید دستجردی برای اجرایی شدن این طرح تلاش‌هایی شد و اجرای آزمایشی این برنامه در مازندران و فارس، یادگار همان دوران است، اما پس از آن این طرح مسکوت ماند. حالا به گفته محمد رضا ظفرقندی، وزیر بهداشت برنامه پزشک خانواده باید از امسال آغاز شود. برای این منظور برنامه‌ریزی‌هایی هم صورت گرفته‌است. آنچه‌آن که به گفته معاون بهداشت وزارت بهداشت، ستاد ملی برنامه پزشکی خانواده به ریاست دکتر یزشکیان رئیس‌جمهور اجرایی خواهد شد.

■ ■ ■

نظام ارجاج و پزشک خانواده یکی از اصلی‌ترین راهکارهایی است که برای مدیریت منابع نظام سلامت حتی در کشورهایی با درآمد بالا به کار گرفته می‌شود. بر این اساس حتی در کشوری مانند انگلیس هم که سهم سسلات از تولید ناخالص ملی بسیار بالاتر از کشور ماست، ساختار نظام سلامت بر مبنای پزشک خانواده و نظام ارجاج مدیریت می‌شود تا از اتلاف منابع جلوگیری شود و هزینه خدمات القایی نظام سلامت را کاهش دهند. در کشور ما این برنامه در مقاطع مختلف بنا بود اجرایی شود، اما هر بار به دلیلی اجرای این طرح متوقف ماند و در نهایت با اجرای طرح تحول سلامت در دولت یازدهم چندین برابر بودجه مورد نیاز برای اجرای نظام ارجاج و پزشک خانواده صرف شد، اما در نهایت طرح تحول سلامت به جز درآمد پزشکان چیزی دیگری را متحول نکردا روی کار آمدن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت چهاردهم تصور می‌شد دوباره نظام ارجاج و پزشک خانواده روی ریل اجرا بیفتد، اما سال گذشته علی جعفریان، مشاور وزیر بهداشت ضمن بیان اینکه ۳۰ همت بودجه برای اجرای پزشک خانواده در سال ۱۴۰۴ اختصاص داده شده تأکید کرد: «با این بودجه اجرای سراسری برنامه

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰-۸۸۲۲۰۰

بخت پزشک خانواده امسال باز می‌شود؟

به گفته معاون بهداشت وزارت بهداشت ستاد ملی برنامه پزشک خانواده با سکانداری رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود



وی با اشاره به پیچیدگی‌های اجرای این طرح ملی، تصریح کرد: «این برنامه صرفاً یک اقدام اجرایی ساده نیست، بلکه طرحی بزرگ و مبتنی بر تغییر رفتار اجتماعی است.»

محمد رضا ظفرقندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نشست توجیهی تکمیل و ارتقای نظام پزشکی خانواده و روستایی سال ۱۴۰۴ با تأکید بر ضرورت آغاز این برنامه از سال جاری گفت: «قاعدتاً باید اجرای برنامه پزشک خانواده از همین امسال آغاز شود. تاکنون جلسات متعددی در این زمینه برگزار شده است. حتی شخصی رئیس‌جمهور نیز تاکنون دست‌کم در سه تا چهار جلسه مرتبط با این موضوع حضور مستقیم داشته‌اند.»

جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۲۸۰

برگزار می‌شود که فرصتی مهم برای نهایی‌سازی مدل اجرایی برنامه است. در این مسیر، شش کمیته تخصصی که تاکنون در جلسات مقدماتی به تصویب رسیده‌اند، نقش محوری خواهند داشت. برای هر کمیته، مسئول مشخصی تعیین شده و در نشست پیش‌رو با رؤسای دانشگاه‌ها، هدف این است که این مدل اجرایی با همفکری نهایی شده و سپس در استان‌های منتخب به صورت هماهنگ اجرایی شود.»

وزیر بهداشت در پایان تأکید کرد: «هدف ما اجرای صحیح، دقیق و بدون خطای این طرح ملی است. ما به دنبال انجام یک کار درست هستیم و لازمه آن حرکت با اطمینان است. این طرح باید به‌گونه‌ای پیش برود که اعتماد عمومی را جلب کرده و گامی مؤثر در بهبود نظام سلامت کشور باشد.»

معاون بهداشت وزارت بهداشت از تشکیل ستاد ملی برنامه پزشک خانواده به ریاست رئیس‌جمهور خبر داد و تأکید کرد که جلسات کارشناسی برای رسیدن به چارچوب نهایی ادامه دارد.

وی با بیان اینکه وزیر بهداشت بر حرکت مدبرانه و متعهدانه در این مسیر تأکید دارد، افزود: «دکتر ظفرقندی بر این باور است که باید بدون شتابزدگی، اما با سرعت مناسب پیش برویم تا این طرح گرهی از مشکلات مردم را باز کند و موجب افزایش رضایتمندی عمومی در حوزه سلامت شود، نه اینکه به مشکلات موجود اضافه شود.»

■ **تشکیل ستاد ملی برنامه پزشک خانواده**

معاون بهداشت در ادامه از تشکیل ستاد ملی برنامه پزشکی خانواده خبر داد و گفت: «بر اساس چارچوب تعیین‌شده، این برنامه ذیل ستاد ملی با ریاست رئیس‌جمهور اجرا خواهد شد. همچنین ستاد اجرایی آن به ریاست وزیر محترم بهداشت تشکیل می‌شود که در ذیل این ستاد اجرایی، شش کمیته تخصصی برای انجام امور کارشناسی، تدوین مصوبات و حمایت از اجرای برنامه در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور تشکیل خواهد شد.»

وی در بیان تصریح کرد: «پس از برگزاری کارگاه‌های تخصصی در اجلاس پیش‌رو، جمع‌بندی نهایی انجام خواهد شد و کمیته‌های تخصصی به صورت پیوسته تشکیل جلسه خواهند داد تا به یک ساختار نهایی برای اجرای برنامه برسیم. پس از آن، زمان و شیوه آغاز اجرای برنامه پزشک خانواده، نظام ارجاج و تقویت نظام شبکه به‌صورت رسمی اعلام عمومی خواهد شد.»

معلمان ابتدایی در تردید؛ بحران بی‌پایان سیاست‌های جذب و نگهداشت

کلیات ابوالبقابه جای اجرای سند تحول آموزش وپرورش!

آموزگاران با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ پاسخ رئیس مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی آموزش وپرورش به این بحران

عباراتی کلی و غیر عملی است که راه‌حلی برای دشواری‌های عمیق این قشر ارائه نمی‌دهد



تقویت انگیزه‌های شغلی و ایجاد مسیر رشد برای آنان حرکت کند. از جمله راهکار‌های مطرح‌شده در این سند، بهبود نظام حقوق و مزایا برای معلمان ابتدایی است. در حال حاضر، بسیاری از معلمان این مقطع از وضعیت حقوقی و مزایای شغلی خود نارضی هستند و این موضوع بر میزان تعهد و انگیزه آنها تأثیر گذاشته‌است. ایجاد ساختار شفاف و عادلانه در پرداخت‌های معلمان، عاملی کلیدی در افزایش ماندگاری نیروها خواهد بود.

همچنین، در این سند بر ایجاد مشوق‌های انگیزشی برای معلمان تأکید شده. در بسیاری از کشورها، برنامه‌های آموزشی برای معلمان موفق و پر تلاش، مشوق‌های مالی، امتیازات حرفه‌ای و مسیره‌های ارتقای شغلی تعریف می‌کنند. این اقدامات نه تنها باعث افزایش کیفیت آموزش در مدارس ابتدایی خواهد شد، بلکه معلمان را برای ادامه فعالیت در این مقطع ترغیب می‌کند.

با این حال، این پیشنهادها بیشتر در سطح سیاست‌گذاری باقی مانده‌اند و هنوز برنامه‌ای اجرایی و عملی برای پیاده‌سازی آنها ارائه نشده‌است. ■ **پاسخ آموزش وپرورش: راهکار با کلی گویی** در پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون جذب و

ابتدایی باشد، چیزی شبیه به «کلیات ابوالقاء» است؛ عبارتی کلی و غیر عملی که راه‌حلی برای دشواری‌های عمیق این قشر ارائه نمی‌دهد. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا آموزش وپرورش اراده‌ای برای اجرای این سند عملی و کاهش سختی‌های آموزگاران دارد، یا همچنان سایه سیاست‌های کلی گویی بر برنامه‌ها سنگینی می‌کند؟!

■ **ناراضی شغلی معلمان ابتدایی**

مقطع ابتدایی ستون فقرات نظام آموزش هر کشور محسوب می‌شود. معلمان این دوره، نه تنها مسئول انتقال دانش به دانش‌آموزان هستند، بلکه نقش مهمی در پرورش مهارت‌های اجتماعی، اخلاقی و شخصیتی کودکان ایفا می‌کنند. دوران ابتدایی مسال‌های شکل‌گیری شخصیت و پایه‌ریزی مهارت‌های اساسی است، و کیفیت آموزش در این سال‌ها می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر مسیر تحصیلی و رشد فردی دانش‌آموزان بگذارد.

با این حال، در ایران چالش‌های ساختاری متعددی در این مقطع آموزشی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات، کمبود نیروی کارآمد و ناپایداری حضور معلمان در این دوره است. بسیاری از معلمان پس از ورود به این شغل، به دلیل شرایط دشوار آن دچار فرسودگی شغلی می‌شوند و تلاش می‌کنند از مسیرهای دیگر شغلی خارج شوند. نبود انگیزه‌های پایدار، حقوق ناکافی، حجم کاری سنگین و فشارهای آموزشی از جمله عواملی هستند که سبب کاهش تمایل معلمان به ادامه فعالیت در این مقطع می‌شود. از سوی دیگر، ساختار استخدامی و تأمین نیروی انسانی آموزش وپرورش نیز ثبات لازم را ندارد. در برخی سال‌ها، کمبود شدید معلم وجود دارد، در حالی که در سال‌های دیگر، حجم بالای نیروهای جذب‌شده باعث عدم تناسب میان عرضه و تقاضای نیروی آموزشی می‌شود. این بی‌نظمی، علاوه بر آسیب زدن به کیفیت آموزش، احساس ناراضی‌تی شغلی را در میان معلمان افزایش داده‌است.

■ **سند تحول بنیادین چه می‌گوید؟**

با توجه به چالش‌های موجود، سند تحول بنیادین آموزش وپرورش پیشنهادهایی برای رفع این مشکلات ارائه کرده‌است. در این سند تأکید شده نظام آموزشی باید در مسیر تربیت معلمان حرفه‌ای، منتقل به مقاطع بالاتر سوق داده‌است. در چنین شرایطی، سند تحول بنیادین راهکارهایی همچون بهبود نظام حقوق و مزایا، ارائه مشوق‌های مالی و حرفه‌ای و ایجاد مسیرهای ارتقای شغلی برای آموزگاران را پیشنهاد داده‌است، اما این پیشنهادها اغلب در سطح سیاست‌گذاری باقی مانده‌اند و هنوز برنامه‌ای اجرایی برای عملی کردن آنها ارائه نشده‌است. علی باقرزاده، رئیس مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی آموزش وپرورش، در پاسخ به این بحران، به روندهای بوروکراتیک استخدامی و سنجنش صلاحیت حرفه‌ای اشاره کرده‌است، اما این توضیحات، بیش از آنکه پاسخی به مشکلات واقعی معلمان



درسك آفتاب

مهدی مولایی

۳ پرده

از سرگذشت یک شیر!

پرده اول: شجاع قبیله بود؛ بزرگ‌جته و قد بلند. با شانه‌هایی پهن و ریش‌هایی پر پشت. با موهایی به تمامه سیاه و شلال شده بر شانه‌ها. دستمالی به سر می‌بست و موهایش را از زیر دستمال روی چهره می‌ریخت. سوار بر اسب و نقاب‌زده بر چهره از غبارهای بسیار حجاز، از میانه شهر می‌گذشت و همه عرب به احترامش سر خم می‌کرد. پهلووان قبیله بود. شیرا نامش شیر بود؛ یعنی نامش حمزه بود که در عربی به معنی شیر است. انگار اما این نام برای هیبت او کافی نبود. مردم کنیه‌اش را هم شیر گذاشته بودند. حمزه اسدالله! اهل شکار بود. قوت اندکی در توپره مر کبش می گذاشت و کمان به شانه حمایل می‌کرد و نیزه بر رکاب می‌زد و از شهر خارج می‌شد. صبح فردا آهوپی و مرالی بر شانه انداخته از سوی صحرا وارد شهر می‌شد. صبح آن روز که وارد شهر شد، به رسم هر بار مستقیم سوی کعبه رفت. برای احترام و شاید برای تبرک شکار گرم روز. به محمد هم سری می‌زد. برادرزاده‌اش بود. داعیه نبوت کرده‌بود. گرچه شیر به آیین او نبود، اما بر خلاف همه شهر، احترام او را داشت و عزیزش می‌داشت. محمد آن روز، نوب خودش بود و حرف نمی‌زد. بی‌حوصلگی از وجناشش پیدا بود. شیر که پیگیر ماجرا شد، گفت «چیزی نیست حمزه... چیزی نیست.» کنیزکی قران ز بانگهان از کنار حوض میان حیاط گفت: «حمزه نبودی ببینی که امروز پای کوه صیفا بوچهل چه دشمنان‌ها و تمسخرها حواله برادرزاده‌ات کرد.» حمزه دیگر هیچ نگفت. آهو ی سپید خون‌آلوده را کنار دیوار گذاشت که غلامان و کنیزان پوست و گوشتش را سوا کنند. و اسبش را همی کرد... محمد لیخنه به لب رو به کنیزک گفت: «نباید چیزی به او می‌گفتی.»

پرده دوم: عادت اشراف و بزرگان قریش است که در میانه روز، در گرمایش آفتاب حجاز، سایه‌بانی کوچک و خنک در کنار مسجدالحرام و نزدیکی کعبه بر پا کنند و در گنده‌های چند نفره، دور هم به گفت‌وگو و سسرگرمی و قمار بنشینند. با غلامانی به خدمت و بسا خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های لذیذ و عوام از دور بی‌آنکه جرئت نزدیک شدن داشته‌باشند، به سر انگشت اشاره به یکدیگر نشانشان دهند و حسرت ببرند. اشرافند و قدرتمندان و ملاکان مکه. مشغول قهقهه و تاس ریختند؛ مست انگار. سوارهای سوی سایه‌بان می‌آید. منقب، به نزدیکی گنده اشراف که می‌رسد به جسنستی پایین می‌پرد. نیازی به کنار زدن نقاب نیست. قامت و تئومندی‌اش و چشمان نافخش و کمان حمایل بر شانه‌اش، همگی داد می‌زند که حمزه است. به ابروانی در هم کشیده، شیر امانقایش را اکتار می‌زند. کمان از پهلو می‌گیرد، بالای سر می‌برد و به تمام طرف بر فرق سر ابوچهل می‌کوبد. گنده از هم می‌پاشد و هیاهو به جمع اشراف می‌افتد. خون از سر ابوچهل شک می‌زند به لباس جماعت. «منم حمزه! من بر آیین محمد در ادمم. پس هر چه به او بگویند به من گفته‌اید و این سزای کسی است که صدا بر محمد بلند کند.»

پرده سوم: شیر در جمع گفتارها بر زمین افتاده. به ناچوآمدی از ققاوار زده‌اند. خنجر به سینمایش زد و جگرش را بیرون کشیده‌اند. هلهله در آوای اشراف به پاست. پیکر در تفت آفتاب حجاز بر خاک است. اشراف در اردوگاه باز در سایه‌بان نشسته‌اند قهقهه می‌زند و تاس می‌بزند. مست انگار. جنگ که تمام می‌شود، محمد بالای سر می‌ایستد. طوری که سایه‌اش بر پیکر او باشد. محمد می‌گوید که خواهر حمزه نزدیک است که به تفتگاه او برسند. روی پیکرش را بیوشاید و اطراف او نوحه کنید و اشک بریزید. که یل قبیله ما را ناچوآمدنانه انداختند. نیکویاوری برای ما بود. حمزه اسدالله!



مهسا کریندی

ضرب و شتم دانش آموزان

ناقوس خطر برای جامعه

هر روز صبح، کودکانی با چشمانی درخشان و لیخنه‌ی پرامید، با هزاران رویا به مدرسه می‌روند. والدین، فرزندان‌شان را با اعتماد به محیطی که قرار است مأمنی برای پرورش، امنیت و رشد آنها باشد، راهی مدرسه می‌کنند، اما چه می‌شود که این اطمینان، این رویاهای کودکانه و اعتماد عمیق به محیط آموزشی، در یک لحظه فرو می‌ریزد؟ حادثه‌ای که در روستای کر جو سسندج رخ داد، رنگ خطری برای تمام جامعه بود. معلمی که به دلیل گم شدن شمارز موبایلش، به جای واکنشی سنجنیده، کلاس را به صحنه‌ای از خشونت تبدیل کرد. دانش‌آموزان، که باید در حال یادگیری و خلاقیت باشند، حبس شدند و یکی از آنان به دلیل شدت ضرب‌و‌وشتم راهی بیمارستان شد. تصاویر این حادثه که در رسانه‌ها منتشر شده‌اند، هر سالسانی را به درد می‌آورد و فریاد اعتراض را در دل جامعه بیدار کرده‌است.

این حادثه تلخ نه تنها یک خطای فردی بلکه هشداری بزرگ برای نظام آموزشی ماست. ما باید از خود بهرسیم آیا واقعاً محیط‌های آموزشی ما امن هستند؟ آیا معلمان ما از نظر روانی آماده‌اند تا مسئولیت تربیت نسل آینده را بر عهده بگیرند؟ وجود چنین رفتارهای شوکه‌کننده باعث نگرانی‌های جدی در میان خانواده‌ها شده‌است. والدینی که فرزندان خود را با امید به ساختن آینده‌ای روشن به مدرسه می‌سپارند، انتظار فضایی امن و الهام‌بخش دارند، نه محیطی که ترس و آسیب جایگزین آموزش شود.

متأسفانه این گونه اخبار هر چند گاهی منتشر می‌شود و نشان‌دهنده یک مشکل ساختاری عمیق‌تر است. سکوت در برابر چنین حوادثی خیانتی بزرگ به کودکان و آینده جامعه ماست. مسئولان آموزش و پرورش باید با شفافیت کامل به این مسئله رسیدگی کنند و تدابیری اتخاذ کنند که نه تنها از تکرار این فجایع جلوگیری شود، بلکه اعتماد از دست‌رفته به نظام آموزشی بازسازی گردد.

ما نیازمند بازنگری جدی در نظام آموزشی هستیم؛ نیازمند تقویت نظارت بر عملکرد معلمان و ارزیابی سلامت روانی آنها پیش از استخدام. گزینش معلمان باید سختگیرانه‌تر باشد و شامل آزمون‌های روان‌شناسی واقعی (نه صوری) شود. دولت جدید باید توجه کند که رصلاحت معلم‌هایی که آزمونشان توسط دولت قبل برگزار شده بود نباید سیاسی باشد، بلکه باید احراز صلاحیت واقعی معلمان از هر جهت انجام گیرد تا اطمینان حاصل شود کسانی که مسئولیت تربیت نسل آینده را بر عهده دارند از نظر روانشناختی آماده‌اند.

آینده کودکان ما وابسته به اقداماتی است که امروز انجام می‌دهیم. این وظیفه ماست که مدارس را به محیط‌هایی سرشار از عشق، امنیت و رشد تبدیل کنیم. نباید هیچ کودک یا نوجوانی، قربانی خشونت‌شود، باید یادبسیاسیمزایم که هر دانش‌آموزی بتواند بدون ترس از آسیب یا خشونت رویای خود را دنبال کند؛ دنبایی سرشار از امید، محبت و یادگیری اکنون زمان عمل است؛ زمان آن رسیده‌تا با هم برای آینده‌ای بهتر بجنگیم!